

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين و صلي الله علي سيدنا محمد و آله الطاهرين

یادآوری؛ ادامه بررسی فروض اربعه جریان «اصالة عدم الذکية» در شبهات موضوعیه از منظر محقق خویی(ره)

عرض کردیم که در بحث «اصالة عدم التذکية» هم اقسامی در شبهه موضوعیه وجود دارد و هم اقسامی در شبهه حکمیه؛ یک قسم از اقسام شبهه موضوعیه را ذکر کردیم بررسی فرض دوم: شک در حلیت لحم غنم، بخاطر تردید در عروض مانع؛ اینجا مجرای اصالة الحلیة یا استصحاب عدم طرو المانع است، نه اصالة عدم التذکية

2. «فرض دوم»: دومین فرع و فرض آنجایی است که ما شک در حلیت لحمی کنیم یعنی می دانیم که این لحم، لحم غنم است، اما شک داریم که آیا این غنم، عنوان «جلل» را دارد یا خیر؟ یعنی جلال هست یا نه؟ زیرا این عنوان اگر عارض بر حیوان شود مانع از قبول تذکيه است؛ حال آیا این غنم «موطوءه» یک انسانی واقع شده است یا نه؟ آیا این غنم «ارتضاع از لبن خنزیر» پیدا کرده است یا نه؟ یعنی در اینجا حیوان قابلیت ذاتی برای تذکيه دارد لکن ما شک در عروض این عنوان می کنیم؛ در اینجا تردیدی نیست که به استصحاب رجوع می کنیم؛ منتها «استصحاب عدم طرو المانع» یعنی مانع از تذکيه در اینجا محقق نشده و در نتیجه این لحم عنوان حلیت را دارد.

بررسی فرض سوم: شک در حلیت لحم، بخاطر تردید در قابلیت تذکيه حیوان ذبح شده؛ پذیرش و عدم پذیرش دو مبنای مقدماتی محور نتیجه گیری. 3. «فرض سوم»: سومین فرع و فرض آنجایی است که ما شک می کنیم در حلیت لحم به عنوان شبهه موضوعیه؛ به عنوان اینکه نمیدانیم آیا این لحم، لحم حیوانی - مثل غنم - است که قابلیت تذکيه دارد؟ یا لحم حیوانی - مثل کلب - است که قابلیت تذکيه ندارد؟ مثلاً اگر در یک شب تاریک حیوانی را ذبح کنند و مردد باشند بین الغنم و الکلب؛ حالا اینجا عنوان شبهه موضوعیه را دارد؛ در اینجا باز همان مقدماتی که بیان کردیم جاری است؛ حال اگر دومبنا را بپذیریم باید حکم به حلیت کنیم؛

«مبنای اول»: یک مبنا اینکه بگوییم: «کل حیوان قابل للتذکية الا ما خرج بالدلیل» که یکی از موارد «ما خرج بالدلیل» مسلماً کلب است که قابلیت تذکيه ندارد. «مبنای دوم»: یک مبنای دیگر اینکه بیاییم این استثنا را در ما نحن فیه با «استصحاب عدم ازلی» درست کنیم؛ یعنی وقتی شک می کنیم آیا این حیوان عنوان کلبیت داشته یا نه؟ عدمش را استصحاب کنیم، یعنی استثنا را با استصحاب عدم ازلی درست کنیم؛ در اینجا کبری این است که «کل حیوان قابل للتذکية الا الکلب» حال در اینجا وقتی شک می کنیم که این حیوان خارجی، آیا عنوان کلب را دارد یا نه؟ استصحاب عدم در آن جاری کنیم و بعد از آن عموم و این استصحاب عدم نتیجه می گیریم که این لحم، لحم حلال است. حالا اگر کسی این دو مبنا را قبول نکرد و یا یکی از این دو مبنا را نپذیرفت؛ به عبارت دیگر، یا هیچ کدام از این دو مبنا را نپذیرد و یا یکی از این دو مبنا را نپذیرد، آن وقت باید برویم روی این

بحث که: - آیا تذکيه یک امر بسیط و محصل از اعمال است؟ اینجا «استصحاب عدم تذکيه» جاری می شود؛ یعنی شک می کنیم آن عنوان بسیط و آن عنوان محصل از این اعمال ذبح در اینجا حاصل شده یا نه؟ که عدمش را استصحاب می کنیم.

اما اگر مثل مرحوم محقق نائینی (ره) قائل شدیم که تذکيه «نفس الاعمال الخارجية» است؛ اینجا دیگر مجالی برای «استصحاب عدم تذکيه» نیست؛ این هم فرع سوم از شبهات موضوعیه. آن وقت در همین جایی که روی مبنای نائینی اگر تذکيه را ما عبارت از این اعمال خارجی دانستیم نه محصل از این اعمال؛ و گفتیم استصحاب عدم تذکيه جاری نیست رجوع می کنیم به «اصالة الحلیة» و با «اصالة الحلیة» حکم می کنیم که این لحم، لحم حلال است.

بررسی فرض چهارم: شک در حلیت لحم، بخاطر تردید در وقوع اعمال خمسّه؛ اینجا مجرای «اصالة عدم التذکيه» بوده و نتیجه آن، حرمة الاکل است.

4. «فرض چهارم»: چهارمین فرض آنجایی است که اساسا ما در این اعمال خمسّه شک داریم و اصلا شک داریم «ذبح» واقع شد یا نه؟ و «رو به قبله» واقع شد یا نه؟ و «بسم الله» گفته شد یا نه؟ و یا «فری اوداج اربعة» در این حیوان واقع شده یا نه؟ و ذابح «مسلمان» بوده یا نه؟ و ذبح با «حدید» بوده یا نه؟ خوب اینجا هم باز آن چیزی که جاری می شود «اصالة عدم تذکيه» است؛ به عبارت دیگر، اگر یک لحمی از یک حیوانی است و ما می دانیم این حیوان را کشتند، اما نمی دانیم شرائط شرعی ذبح در آن رعایت شده یا نه؟ اینجا «اصالة عدم تذکيه» جاری می شود و در نتیجه مساله حرمت الاکل و عدم جواز صلات در آن مطرح می شود. این چهار فرع از فروعی که از منظر محقق خوئی (ره) در «مصباح الاصول» در شبهه موضوعیه مطرح است.

بررسی فروض شبهه حکمیه در «اصالة عدم التذکيه» بعد از تعطیلات دهه اول

محرم

حالا شبهه حکمیه هم فروعی دارد که ان شاء الله آنها را بعد از تعطیلات ماه محرم الحرام بیان خواهیم کرد و اگر آنها را ذکر کنیم این تنبیه اول تمام می شود.

تذکر چند نکته پیرامون ماه محرم

چون در آستانه ماه محرم الحرام قرار گرفتیم؛ لازم است نکاتی و مطالب را مطرح کنیم.

پیوند بقاء دین و عزاداری امام حسین (ع)

نکته اول: استمرار و بقاء دین به عزاداری بر امام حسین (ع) بستگی دارد؛ بررسی دو جریان تاریخی در برخورد با فاجعه کربلا «اولین مطلب» این است که مساله عزاداری برای ابا عبدالله الحسین (ع) یک مساله بسیار مهم و بسیار لازم برای ما و برای جامعه ما و برای اصل دین است و تردیدی نیست در اینکه استمرار دین و بقاء دین و روشن شدن ابعاد دین بستگی دارد به اینکه این عزاداری ها، هر سال، هر چه با شکوه تر و مفصل تر انجام بشود.

ما وقتی که تاریخ را ورق می زنیم نسبت به این حادثه بزرگ برخورد های متفاوت و عجیبی را انسان می بیند. از یک طرف برخوردهای صحیحی را از غیر مسلمین می بیند، یعنی آنهایی که مسلمان نبودند و یک مذهب دیگری داشتند می بینیم که آنها چه تحلیل صحیحی و چه برخورد صحیحی را با این حادثه داشتند و اساسا با اینکه غیر مسلمان بودند امام حسین (ع) را به عنوان

الگوی خودشان قرار دادند. و از آن طرف در میان مسلمان ها چه توجیهها و چه برخوردها و چه مواضعی را انسان ملاحظه می کند!!!؟

گاهی اوقات بعضی از افراد برای اینکه این حادثه را یک مقداری کم رنگ کنند و نه یک مقدار بلکه بیش از یک مقدار برای اینکه این حادثه به فراموشی سپرده شود می آیند جواز لعن بر یزید- لعنة الله عليه- را مطرح می کنند که آیا اساسا لعن بر یزید- لعنة الله عليه- جائز است یا نه؟ خوب یزیدی که در فسق علنی او هیچ کس تردیدی نداشت و اساسا قبل از این حادثه، یزید- لعنة الله عليه- یک شخص متجاهر بالفسق بود؛ حتی قبل از اینکه او را معاویه به عنوان ولیعهد خودش قرار بدهد این مساله در بین مسلمانها معروف بود؛ حالا تا چه برسد به اینکه دستش آلوده شد به این حادثه.

شما ببیند غزالی در کتاب «احیاء علوم دین» این مساله را مطرح می کند و می گوید: «فان قيل هل يجوز لعن یزید لانه قاتل الحسين (ع) أو أمر به؟ قلنا لم يثبت ذلك[!!!؟] فان قيل هل يجوز ان يقال: قاتل الحسين لعنة الله؟ او الأمر بقتله لعنة الله؟» سؤال اول در خصوص یزید- لعنة الله عليه- است و سؤال دوم کلی است یعنی اگر کسی سؤال کند که اصلا بگوییم: «قاتل الحسين (ع)» را خدا لعنت کند- خوب روی اینها دقت فرمایید- غزالی می گوید: «قلنا الثواب ان يقال: قاتل الحسين ان مات قبل التوبة لعنة الله لانه يحتمل ان يموت بعد التوبة» این عبارت غزالی بسیار مطلب عجیبی است و این حاکی از چه مطلبی است؟

حالا غزالی این مطلب را در کتاب «احیاء علوم دین» مطرح کرده و آنجا این مساله را مطرح کرده. حال سؤال این است که چرا رفتند دنبال این مساله یعنی آیا واقعا به عنوان یک مساله فقهی و به عنوان یک مساله اخلاقی دنبال حل این مساله بودند یا اینکه انسان می فهمد که نه، پشت پرده این قضایا، آنها دنبال این بودند که بگویند حالا قتلی که نسبت به «امام حسین (ع)» انجام شد مثل قتل یک انسان معمولی بوده و همانطوری که قاتل یک انسان معمولی اگر توبه کرد، توبه اش را ممکن است خداوند متعال بپذیرد، قاتل «امام حسین (ع)» هم همین گونه بوده؛ لذا دنبال این هستند که «امام حسین (ع)» را عظمتش را کم کنند و در حد یک انسان معمولی بیاورند و قتل و کشتاری که انجام شده - با آن وضع فجیع-، این را هم به عنوان قتل معمولی مثل یکی از قتل های افراد معمولی قرار بدهند!!! هدف این است و الا کدام عالمی است که در لعن و جواز لعن بر یزید- لعنة الله عليه- بلکه بر وجوب لعن بر او تردید بکند؟

ما اگر از آیات قرآن استفاده می کنیم که لعن بر ظالم واجب است، بارزترین مصادیق ظالم یزید- لعنة الله عليه- است و آن ظلمی که یزید- لعنة الله عليه- و اصحاب یزید- لعنة الله عليه- بر «امام حسین (ع)» و اهل بیت مطهرش (ع) وارد کردند دیگر در تاریخ قابل تکرار نیست و نه قبلش نظیر داشته و نه بعدش نظیر دارد؛ خوب این یک برخورد است با این قضیه.

نکته دوم: واکاوی ریشه های تاریخی بدعتهای اموی در برخورد با فاجعه کربلا

باز برای اینکه مقداری اهمیت روز عاشورا را کم کنند، از بعد از حادثه عاشورا گفتند یک کاری کنیم روز عاشورا یک عنوانی پیدا کند؛ آمدند جعل کردند استحباب صوم روز عاشورا را و انفاق و اطعام در روز عاشورا را و به عنوان یک یوم السرور برای خودشان قرار دادند، تا اساسا اذهان یک توجهی به این حادثه پیدا نکنند!

این عبارت را مناوی در «فیض الغدیر» دارد - اینها از خود کتب اهل سنت است- می گوید که: «ما یُروی فی فضل صوم یوم عاشورا و الصلاة فيه و الانفاق و الخضاب و الادهان و الاکتحال بدعة ابتدعها قتلة الحسين (ع)» یعنی خودشان آمدند این مساله را مطرح کردند یعنی قتله «امام حسین (ع)» یک بدعتی گذاشتند و گفتند روزه امروز مستحب است و نماز در امروز هم مستحب است و شادی در آن روز و متاسفانه این بدعت هنوز هم باقی مانده که در زمان اهل سنت برخی هایشان البته و نمی شود گفت همه اینها- مجالس شادی و عروسی شان را در همین ایام و در چنین روزی واقع می کنند و انجام می دهند.

نکته مهم اینکه ببیند - در میان مسلمانها برخی علمای اهل سنت- این کلامی که از غزالی نقل کردیم یا این مطلبی که از مطاوی ذکر شد یا آن برخورد بسیار سفیهانه که ابن تیمیه دارد نسبت به قضیه عاشورا که در کتاب منهاج السنة بیان کرده اینها همه مجموعاً برای این بوده که این حادثه به فراموشی سپرده بشود و مجموعاً برای این بوده که این حادثه از تاریخ حذف بشود و کسی دیگر هیچ وقت فکر نکند که یک روزی نوه پیامبر (ص)؛ امام حسین(ع) در مقابل یزید- لعنة الله علیه- و در مقابل ظلم قیام کرد.

اینها هم که می خواهند این حادثه را از بین ببرند و خاموش کنند به خیال باطل خودشان یکی از اهدافی که ظالمین دنبالش هستند همین است؛ برای اینکه اگر این حادثه زنده باشد هر انسانی در هر زمانی آن را برای خودش الگو قرار می دهد و این حادثه در مقابل ظلم انسان را توانمند می کند و انسان را وادار می کند به ایستادگی در مقابل ظلم.

ما واقعا برای زنده نگهداشتن همه آن جهاتی که در این حادثه وجود دارد باید تلاش کنیم؛ حادثه کربلا و حادثه عاشورا یک جهتش مبارزه با ظلم است و یک جهتش احیا دین است و اقامه امر به معروف و نهی از منکر است و یک جهت مهمش تعظیم اهل بیت(ع) است و یک جهت بسیار مهمش تکریم و تعظیم اینهاست و ما باید تمام جهات این حادثه را همیشه زنده نگه داریم.

بررسی وظائف خطیر روحانیت در عصر حاضر

باز در قبل از انقلاب اسلامی - در همین کشور خود ما - عده ای بی سواد و عده ای دور از فکر پیدا شدند و گفتند معنا ندارد که یک حادثه ای که 1400 سال پیش انجام شده ما امروز برای او گریه کنیم و اشک بریزیم؟! و بجای گریه بیایم آن جهات حماسی عاشورا و مبارزه با ظلم و امثال اینها را مطرح بکنیم. این هم خودش یک تحریف بزرگی است در این قضایا.

شما ببینید ائمه ما (ع) برخوردشان نسبت به روز عاشورا چگونه بوده و شیخ طوسی(ره) در (مصباح المتهجد ص 782) از «عبدالله بن سنان» نقل می کند و می گوید: «دَخَلْتُ عَلَى سَيِّدِي أَبِي عَبْدِ اللَّهِ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَ يَوْمَ عَاشُورَاءَ» روز عاشورا وارد بر «امام صادق(ع)» شدم «فَأَلْفَيْتُهُ كَاسِفَ اللَّوْنِ» دیدیم چهره حضرت گرفته و ناراحت است «و ظَاهِرَ الْحُزْنِ» بسیار محزون «وَدُمُوعُهُ تَنْحَدِرُ مِنْ عَيْنَيْهِ» این ظاهرش این است که حضرت(ع) هم تنها نشسته بودند و اشک های مبارک ایشان از دو چشم های مبارکشان در جریان بود «كَالْلُّوْلُؤِ الْمَتَسَاقِطِ» مثل دانه های لولویی که دارد می ریزد این قطرات اشک جاری هست «فَقُلْتُ يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ مِمَّ بَكَوْكَ لَا أَبْكِي اللَّهُ عَيْنَيْكَ» چرا شما گریه می کنید؟ فرمودند «فَقَالَ لِي أَوْ فِي غَفْلَةٍ؟» آیا غافل هستی تو؟ «أَوْ مَا عَلِمْتُ أَنَّ الْحُسَيْنَ بْنَ عَلِيٍّ(ع) أُصِيبَ فِي مِثْلِ هَذَا الْيَوْمِ» در مثل چنین روزی این حادثه بر جد ما وارد شد و به شهادت رسید.

و باز در همین روایاتی که مربوط به «امام صادق(ع)» هست، روات «أَبِي عُمَارَةَ الْمُنْشِدِ» نقل می کند که: «مَا ذُكِرَ الْحُسَيْنُ بْنُ عَلِيٍّ عَ عِنْدَ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَ فِي يَوْمٍ قَطُّ فَرُّنِي أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَ مُتَبَسِّمًا فِي ذَلِكَ الْيَوْمِ إِلَى اللَّيْلِ» (کامل الزیارات ص 101 و 108) روای می گوید روزی که نام «امام حسین(ع)» برده می شد ولو روز غیر عاشورا دیگر در آن روز تا شب ما حضرت را متبسم نمی دیدیم!

خوب این سیره ائمه ماست. در چنین روزهایی که ما در پیش داریم؛ هر گروهی که با دین مخالف است یا با مذهب ما مخالف است به یک شکلی به خیال خام خودشان به دنبال ضربه زدن به قضیه عاشورا و یا کم رنگ کردن و یا خاموش کردن این قضیه بوده و هستند. الان هم در زمان ما آنهایی که با اساس دین مخالفند آن مراکز جاسوسی بین المللی که وجود دارد برای صهیونیست ها و آمریکاییها گفتند: «اگر ما بخواهیم اسلام را از بین ببریم باید عاشورا را از اینها بگیریم» این را من دیدم در نوشتارشان که در تحلیل هایشان و در برنامه هایشان تصریح به این مطلب کردند؛ خوب آنها در تلاشند که از بین ببرند و یکی از راه هایش هم این است که خرافه ها را وارد کنند و به راه های زیادی متوسل شدند و بگویند گریه ارزشی ندارد و اثری ندارد و

برویم سراغ آن بُعد ظلم و مبارزه با ظلمش.

و یا بیاوند بعضی از همین فروع فقهی که بعضی از علمای اهل سنت مطرح کردند اینها را مطرح کنند و از آن طرف هم بعضی از تحریف ها و بعضی از خرافه را دنبالش هستند که وارد این قضیه کنند.

اینها مجموعاً سبب می شود که واقعا روحانیت باید نسبت به این قضیه در زمان ما خیلی حساس تر و دقیق تر و عمیق تر وارد شود. ما باید پژوهش هایی که الان در قضیه امام حسین(ع) انجام می دهیم بیش از گذشته باشد.

مرحوم والد ما(ره) نقل می کردند که اگر این قضیه در میان صاحبان مذاهب دیگر مطرح شده بود و مال آنها بود صدها برابر ما الان تحقیق و پژوهش در این قضیه داشتند. حوزه های علمیه باید هر سال نسبت به حادثه عاشورا و قضایای کربلا مطالب دقیق تر و عمیق تر و یک پژوهش های گسترده تری را به مردم و به جامعه علمی عرضه بکنند؛ و باید اینها صورت بگیرد.

نکته چهارم: تأکید ائمه(ع) بر مصیبت و عزاداری پر شور

یکی از نکاتی را که من می خواهم عرض کنم؛ در عین اینکه باید همه ابعاد قضیه مورد توجه قرار بگیرد اما نباید اجازه داد که از شور مصیبت و مصائب و از شور عزاداری کاسته شود.

یکی از چیزهایی که انسان در بررسی روایات می بیند ائمه(ع) به آن توجه داشتند این است که در مورد عزاداری برای امام حسین(ع) اصل بکاء فقط مطرح نیست، بلکه استمرار بکاء فقط مطرح نیست که امام سجاد(ع) چهل سال مستمرا بکاء داشتند. ائمه تأکید داشتند به اینکه عزاداری به اعلا درجه خودش باید انجام شود.

این روایت را ببیند؛ کسی از امام باقر(ع) سؤال کرد آقا «جزع» چیست؟ «قُلْتُ لَهُ مَا الْجَزَعُ؟» حضرت فرمودند: «قَالَ أَشَدُّ الْجَزَعِ الصُّرَاخُ بِالْوَيْلِ وَالْعَوِيلِ وَلَطْمُ الْوَجْهِ وَالصَّدْرِ وَجَزُّ الشَّعْرِ مِنَ النَّوَاصِي» (الكافي/ج2 ص222)؛ یعنی جزع شدید این است که انسان فریاد بزند و اوایلا بگوید و شیون بکند و به صورت خودش بزند و به سینه خودش بزند و «لَطْمُ الْوَجْهِ وَالصَّدْرِ وَجَزُّ الشَّعْرِ مِنَ النَّوَاصِي» حتی موی سر خودش را بکند.

این معنایی است که «امام باقر(ع)» برای «جزع» آنهم مرتبه بالای «جزع» مطرح کردند.

آن وقت در یک روایات دیگر هست که «امام صادق(ع)» فرمودند: «كُلُّ الْجَزَعِ وَالْبُكَاءِ مَكْرُوهٌ سِوَى الْجَزَعِ وَ الْبُكَاءِ عَلَى الْحُسَيْنِ(ع)» (وسائل الشیعة/ج3/ص282)؛ هر جزع و بکایی مکروه است إلا جزع و بکا بر ابا عبدالله الحسین(ع).

پس در روایات معتبر ما چنین مساله ای وارد شده؛ حال چرا یک افرادی که اطلاع ندارند و ضعف علمی دارند می آیند در مساله سینه زدن تردید می کنند.

این «لَطْمُ الْوَجْهِ وَالصَّدْرِ» در روایات ما وارد شده و اصلا نیازی هم نبود در روایات وارد شود این یک مطلب واضحی است که انسان در مورد ابا عبدالله الحسین(ع) باید انجام دهد و باید سینه زدن ها و دسته جات عزاداری و تشکیل مجالس برگزار شود.

حتی من این را عرض کنم یک وقتی در زندگی بعضی از مراجع و علما خوانده بودیم که اینها خودشان در منزل مقتل را برای اهل بیت خودشان می خواندند، بعد من اتفاقاً دیدم که این مساله در روایات هم وارد شده و در روایات هم ائمه(ع) تأکید کردند که در بین اهل بیت(ع) خودتان آنها را یادآوری کنید که امروز چه روزی است و چه حادثه ای است و چه اتفاقی افتاده و

مصائب آن روز را ذکر کنید. پس هر جزء و بکایی مکروه است، غیر از جزء و بکاء بر ابا عبدالله الحسین(ع).

نکته پنجم: توجه به موارد استثنایی «امام حسین(ع)» و توجه به نکات فقهی و توصیه های مراجع و رهبر معظم انقلاب

در قضایای «امام حسین(ع)» خیلی موارد استثناء وجود دارد ما باید به این جهات توجه کنیم.

خوب تربت «امام حسین(ع)» جواز اکل دارد و رجحان اکل دارد اما تربت مسجد الحرام جواز اکل ندارد. این هم یک استثنای دیگر که جزء و فزع و بکا برای «امام حسین(ع)» هر مقدار که می خواهد باشد. البته این حد را دارد که یک ضرر فاحشی بر انسان وارد نشود. در فقه ما ضرر کم مورد نهی واقع نشده، در هیچ چیزی و هیچ کاری، آن چیزی که مورد نهی واقع شده؛ ضرر دفعی فاحش است. پس نه ضرر کم مورد نهی واقع شده و نه ضرر تدریجی، اگر انسان یک کاری را از حالا بکند پنجاه سال دیگر مثلاً یک ضرر در آن موقع به فعلیت می رسد آن هم مورد نهی واقع نشده؛ و ضرر دفعی اگر فاحش باشد و إلا ضرر های جزئی اینها مورد نهی واقع نشده است.

ما باید عزاداری را خیلی پر شور تر انجام دهیم. البته آنچه را که بزرگان و مراجع و رهبر معظم انقلاب(دامت برکاتهم) سفارش هایی که کردند و توصیه هایی که کردند و رهنمود هایی که کردند اینها را باید همه به آن توجه کنند؛ اما اینکه انسان ببیند در روزنامه ها بخشنامه شود از یک مرکزی نوشته شود و امر شود و نهی شود که یک سال بگویند علمها نباید بیرون آورده شود! خوب بر حسب آن استفتایی که وجود دارد از کثیری از مراجع؛ علمها را همه مراجع موافقت کرده اند. این یک نمادی از عزاداری است حالا یک احتمالات و جهات دیگر انتزاعی هم وجود دارد خوب آنها مورد توجه مردم هم نیست و هیچ کسی در میان مردم در ذهنش نمی آید که این عنوان صلیب را دارد و این عنوان فلان را دارد. نه؛ این معنایش این است که ما همه زیر علم «امام حسین(ع)» هستیم و این نماد این قضیه است.

حالا بعضی ها در نوشته هایشان می گویند در چندسال پیش از فلان کشور و از فلان جا، فلان آدم برداشته اینها را آورده در میان مسلمانها! اینها یک حرفهای باطلی است.

پرچم بلند کردن و علم بلند کردن و لباس مشکی پوشیدن، که اتفاقاً این لباس مشکی در روایات اهل سنت هم وجود دارد، خود بکاء در روایات اهل سنت هم وجود دارد. این قضیه امام سجاد(ع) که چهل سال گریه کرد در منابع اهل سنت وجود دارد. اینها اینگونه نیست که فقط در منابع ما ذکر شده باشد.

حالا انسان می بیند که راجع به سینه زنی حرفهایی زده می شود. اینها باید توجه داشته باشیم که خدایی نکرده ممکن است لطمه وارد کند.

بله باید به مردم توصیه کرد که جهات فقهی را رعایت کنند و در جایی که مردها دارند سینه می زنند اجازه ندهند زنها حضور داشته باشند. حالا ما بجایی اینکه بگوییم زنها در آنجا حضور نداشته باشند بیاییم شکل سینه زنی را به نحو دیگری تغییر دهیم. این درست نیست. بلکه باید بگذاریم این شور و این شکوه و این عظمت باقی بماند و جهات فقهی هم باید دقیقاً ملاحظه کرد و مراعات کرد اما نه به این نحو که از آنچه که تا به حال در بین مردم مرسوم بوده و ما هم یقین داریم که عنوان خرافه و و عنوان جعل را هم ندارد عرض کردم «لَطُمُ الْوُجْهِ وَ الصَّدْرُ» در روایات وارد شده بنابراین نمی شود با یک اطلاعی و یک بخشنامه اینها را بخواهد انسان یک مقداری شکلش را عوض کند - البته ما در حسن نیت این آقایان تردید نداریم ولی باید به ایشان عرض کنیم که اینها آثار سویی دارد و ببیند مجموع قضایای عاشورا و کربلا چه برخوردهایی در طول تاریخ با آن شده و مبادا که ما امروز یک کاری کنیم که بیست سال دیگر اثر بگذارد.

این جمله را من هم از مرحوم والدمان عرض کنم ایشان فرمودند که: عاشورا چون روی دوش مردم بود باقی ماند و اگر از اول غدیر روی دوش مردم گذاشته شده بود و برای غدیر هم به مردم می گفتند حضور داشته باشید و روز غدیر را باشکوه برگزار کنید امروز وضع ما وضع دیگری بود.

این چند نکته ای بود که می خواستم عرض کنم و امیدوارم که ان شاء الله همه ما بتوانیم وظیفه خودمان را به نحو درست نسبت به حادثه عاشورا انجام دهیم.
ان شاء الله روز پانزدهم محرم درس شروع خواهد شد.

وَصَلَّى اللّٰهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَّآلِهِ الطَّيِّبِينَ الطَّاهِرِينَ وَ السَّلَامُ عَلَيْكُمْ وَ رَحْمَةُ اللّٰهِ وَ بَرَكَاتُهُ.